

آفرینش همه تنبيه خداوند دل است



شکل اثر: منظوم (شعر) موضوع: ستایش خدا و اندرز به مخاطب
شاعر: سعدی شیرازی منبع: کلیات سعدی، بخش قصاید

نگاه کلی



واژگان



آفرینش: آفریده‌های جهان

اسرار: جمع سّر، رازها

اقرار: اعتراف

اندر: حرف اضافه به معنی «در»

*** الوان:** جمع لون، در این درس به معنی رنگارنگ

*** انعام:** بخشش، نعمت‌دادن

بار: در این درس به معنی آفریننده، خالق

بامداد: سپیده‌دم، صبح زود

پیش: جلو

*** تسبیح:** خدا را به پاکی یادکردن، نیایش کردن

*** تقدیر:** فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است.

تماشا: مشاهده، گشت و گذار

*** تنبیه:** هوشیارکردن، آگاه‌ساختن کسی بر کاری

جهالت: نادانی، جهل

*** حقّه:** جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگه‌داری می‌شود.

حیران: متحیر، سرگشته

حیف: افسوس، دریغ

خار: تیغ

خداوند دل: صاحب دل (انسان عارف)

خفته: خوابیده

دامن: پهنه، گستره، عرصه

داند: می‌تواند

*** راست‌رو:** مخالف کج‌رو، درستکار، کسی که از راه راست خارج نمی‌شود.

راستی: درستکاری

رحمت: بخشایش

رخ: صورت

زَرّین: طلایی

ساعتی: یک ساعت، مدتی

سعادت: خوشبختی

صحرا: در این درس به معنی گلزار

عاجز: ناتوان

عجب: عجیب، شگفت

*** عزیز:** ارجمند، گرامی، یکی از صفات خداوند

*** عنب:** انگور

غفلت: بی‌خبری

فکرت: تفکر، اندیشه

قیامت: رستاخیز

کج‌رفتار: انسان بدکار

کرم: بخشش، رحمت

گفته نیاید: گفته نمی‌شود

گوی: توپ کوچک؛ گوی سعادت بردن؛

خوشبخت و سعادتمند شدن

لیل: شب

مرغان: پرندگان

مرغ سحر: بلبل

مستمع: شنونده

*** مستخر:** رام و مطیع

منزل: مقصد، محل توقف کاروان

نقش: نقاشی، تصویر

نهار: روز

وجود: هستی، جهان آفرینش

همه: سرتاسر، تمامی

یاقوت: نوعی سنگ گرانبها

حکایت: سفر

آسیاب: دستگاهی که گندم و دیگر غلات را آرد می‌کند.

افسار: مهار، زمام، دهنه، لگام، طنابی که به سر و گردن اسب و الاغ می‌بندند.

*** پیر:** مرشد، راهنما

پیوسته: همیشه، همواره

در آنم: مشغول آن هستم، در حال پرداختن به آن کار هستم.

در خود سفر کردن: جست‌وجو در باطن و درون خود

درنگ: توقف، تأمل، وقفه

گرد: دور؛ گرد خویش گشتن؛ به کار خود مشغول بودن و با خود اندیشیدن

*** معرفت:** شناخت، علم

نباید: لازم نیست

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

بادهای که تفاوت کنند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی هنگام سپیده‌دم، در آغاز فصل بهار که طول شب و روز تفاوتی ندارد، رفتن به فضای طبیعت و گشت و گذار و مشاهده جلوه‌های زیبای فصل بهار لذت‌بخش و خوشایند است.

مفهوم توصیف طبیعت زیبای بهار و توصیه به بهره‌مندی از آن

آرایه جناس: بهار و نهار / مراعات نظیر: صحرا و بهار / تضاد: لیل و نهار / واج‌آرایی: «ا» و «ر»

دستور لیل و نهار: نهاد / بامداد: قید / دامن صحرا و تماشای بهار: نهاد / خوش: مسند / بود: فعل اسنادی / «دامن صحرا» و «تماشای بهار»: ترکیب اضافی

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی جهان آفرینش، سرتاسر، مایه آگاهی انسان صاحب‌دل است. کسی که به وجود خداوند اعتراف نمی‌کند، اصلاً دل و درک و احساس ندارد.

مفهوم گواهی‌دادن دل، ملاک خداشناسی است.

آرایه واج‌آرایی: «ا»، «د» و «ر» / کنایه: دل‌نداشتن کنایه از درک و احساس نداشتن

دستور آفرینش: نهاد / همه: بدل / تنبیه خداوند دل: مسند / مصراع دوم، یک جمله مرکب و خودش شامل دو جمله و دو فعل است. / که (کسی که): نهاد / دل: مفعول / آفرینش (آفرین + یش): وندی

این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکر کند، نقش بود بر دیوار

معنی این همه نگارگری و تصویر شگفت‌انگیز در جهان هستی دیده می‌شود؛ بنابراین هر کس در این پدیده‌ها تأمل نکند و نبیند، همانند نقاشی روی دیوار، بی‌جان است.

مفهوم توصیه به تفکر در نشانه‌های وجود خداوند در جهان هستی

آرایه مراعات نظیر: در و دیوار / واج‌آرایی: «د» و «ن» / جناس: بر، در / تشبیه: در و دیوار وجود (اضافه تشبیهی)، هر که به نقش بر دیوار / کنایه: نقش بر دیوار بودن کنایه از بی‌روح و بی‌احساس و بی‌فایده بودن

دستور این همه نقش عجب: نهاد / در و دیوار وجود: متمم / هر که: نهاد / نقش: مسند / دیوار: متمم

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند نه همه مستمع، فهم کنند این اسرار

معنی همه پدیده‌ها در جهان هستی از قبیل کوه و دریا و درخت‌ها، در حال ستایش پروردگار هستند، اما هر شنونده‌ای این رازهای پنهان جهان آفرینش را درک نمی‌کند، بلکه شنونده‌ای آگاه و لایق لازم است.

مفهوم همه پدیده‌ها ستایشگر خداوند هستند. / هر کسی لایق درک حقایق جهان هستی نیست. / تناسب معنایی: (۱) آیه ۴۴ سوره اسراء در قرآن کریم (۲) «هر گل و برگی که هست، یاد خدا می‌کند / بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار»

آرایه مراعات نظیر: کوه، دریا و درختان / واج‌آرایی: «ر»، «س» و «م» / تلمیح: اشاره به آیه ۴۴ سوره اسراء / تشخیص: جان‌بخشیدن به کوه و دریا و درختان

دستور کوه و دریا و درختان: نهاد / همه: بدل / در تسبیح: مسند / تسبیح: متمم / همه مستمع: نهاد / این اسرار: مفعول

فهم نکنند: فعل مرکب / اسرار: جمع مکسر «یسر» / «همه مستمع» و «این اسرار»: ترکیب وصفی

خبرت هست که مرغان حسرمی گویند: آخر ای خفته سر از خواب جھالت، برادر؟

معنی آیا هیچ خبر داری که پرنده‌های سحرخوان (بلبل‌ها) در سپیده‌دم می‌گویند که «ای انسان بی‌خبر و غافل! آخر حالا دیگر از خواب غفلت بیدار شو؟»

مفهوم نکوهش غفلت و توصیه به آگاهی / پندآموز بودن پدیده‌های جهان هستی

آرایه مراعات نظیر: خواب، سحر و خفته / واج‌آرایی: «ا» و «ر» / جناس: سحر، سر / تشبیه: خواب جهالت (اضافه تشبیهی) / کنایه: سر از خواب جهالت برداشتن کنایه از هشیاری و آگاهی و ترک نادانی / تشخیص: سخن‌گفتن مرغان

دستور خبر: نهاد / ت: متمم (برای تو خبر هست؟) / هست: وجود دارد (فعل غیراسنادی) / مرغان: سحر: نهاد / ای خفته (جمله ندایی)، ای: نشانه ندا، خفته: منادا / آخر: قید / خواب جهالت: متمم / سر: مفعول / خفته: صفت جانشین اسم / «مرغان سحر» و «خواب جهالت»: ترکیب اضافی

نکته: در جمله اول، بازگردانی جمله به صورت «برای تو خبر هست؟»، تعبیری درست و روان نیست و برخلاف کارکرد معنایی ساختارهای دستوری در زبان فارسی است، اما رایج‌تر و عمومی‌تر است و به همین دلیل نقش «ت» را متمم تصور کردیم.

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در میش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

معنی ای انسان، آخر تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه از روی بی‌خبری سرت را پایین بیندازی؟ مایه افسوس است که تو در خواب غفلت باشی، در حالی که گل نرگس بیدار و مشغول ستایش خداوند و درک حقیقت هستی باشد.

مفهوم نکوهش بی‌خبری و توصیه به پندآموزی از پدیده‌های جهان هستی

آرایه مراعات نظیر: بنفشه و نرگس / واج‌آرایی: «ا» و «ر» / تضاد: خواب و بیدار / جناس: سر، در / تشبیه: تو [انسان غافل] به بنفشه / تشخیص: جان‌بخشی به بنفشه و نرگس / کنایه: سر غفلت در پیش داشتن کنایه از غافل‌بودن، در خواب بودن کنایه از غفلت، بیداری کنایه از آگاهی و هشیاری / نماد: بنفشه نماد غفلت و نرگس نماد آگاهی و بصیرت

دستور کی: متمم / آخر: قید / بنفشه: متمم / سر غفلت: مفعول / پیش: متمم / حذف فعل در مصراع اول: آخر تا کی چو بنفشه سر غفلت در پیش [حذف فعل انداخته‌ای یا داری] / آن: نهاد / حیف: مسند / باشد: فعل اسنادی / تو: نهاد / در خواب: مسند / خواب: متمم / ی (هستی): فعل اسنادی / نرگس: نهاد / بیدار: مسند / سر غفلت: ترکیب اضافی

که تواند که دهر میوه آلوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

معنی هیچ‌کس جز خداوند نمی‌تواند از چوب درختان، میوه‌های رنگارنگ بربویاند و تنها پروردگار است که می‌تواند از خار خشک و گزنده، گل‌های سرخ با گلبرگ‌های فراوان به وجود بیاورد.

مفهوم ستایش بی‌همتایی خداوند در آفرینش

آرایه مراعات نظیر: میوه و گل / واج‌آرایی: «ا»، «ک» و «ن» / تضاد: گل و خار / جناس: که (چه کسی)، که (حرف ربط)

دستور که (چه کسی): نهاد / میوه آلوان: مفعول / چوب: متمم / که (چه کسی): نهاد / گل صدبرگ: مفعول / خار: متمم / آلوان: جمع مکسر «لون» / ترکیب وصفی: میوه آلوان، گل صدبرگ، صدبرگ (صد + برگ): مرکب

عقل، حیران شود از خوش زَرین عجب / فم، عاجز شود از حق یاقوت انار

معنی عقل و خرد آدمیزاد، از مشاهده زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر می‌شود و درک و فهم انسان از تماشای انار، که مانند صندوقچه جواهراتی پر از یاقوت است، ناتوان می‌گردد.

مفهوم ناتوانی عقل از درک عمیق زیبایی‌های جهان آفرینش

آرایه مراعات نظیر: عقل و فهم، حیران و عاجز، عنب و انار، خوشه و عنب، خوشه و حقه / واج‌آرایی: «ا»، «ر» و «ن» / تشبیه: خوشه عنب به زر، انار به حقه یاقوت (اضافه تشبیهی) / تشخیص: جان‌بخشی به عقل و فهم

دستور عقل: نهاد / خوشه زَرین عنب: متمم / حیران: مسند / شود: فعل اسنادی / فهم: نهاد / حقه یاقوت انار: متمم / عاجز: مسند / شود: فعل اسنادی / ترکیب اضافی: خوشه ... عنب، حقه یاقوت، یاقوت انار / ترکیب وصفی: خوشه زَرین

﴿ پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مُخمس کند و لیل و نهار ﴾

معنی پروردگاری که با فرمان گرامی و مقدر کردن سرنوشت، همه پدیده‌های جهان هستی از قبیل ماه و خورشید و شب و روز را رام و مطیع خود کرده، پاک و منزّه و کامل و بی‌عیب است.

مفهوم ستایش خداوند به پاکی، کمال، فرمانروایی، اراده و رقم‌زدن تقدیر

آرایه مراعات نظیر: پاک و بی‌عیب، ماه و خورشید، لیل و نهار / واج‌آرایی: «ی»، «ا» و «ر» / تضاد: لیل و نهار / تلمیح: بیت اشاره به مضمون آیاتی از قرآن کریم دارد.

دستور خدا: نهاد / تقدیر عزیز: متمم / ماه و خورشید و لیل و نهار: مفعول / پاک و بی‌عیب: مسند / [است] بعد از «بی‌عیب»: فعل اسنادی محذوف

﴿ تا قیامت بخش اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار ﴾

معنی همه انسان‌ها تا روز رستاخیز از بخشش و بزرگواری خداوند سخن خواهند گفت و با این حال، حتی یکی از هزاران نمونه کرم و رحمت او هم برشمرده نمی‌شود.

مفهوم بی‌پایان بودن بزرگواری و بخشایش خداوند

آرایه مراعات نظیر: کرم و رحمت / تضاد: یکی و هزار، گویند و گفته نیاید (به تعبیری) / واج‌آرایی: «ر» و «ن»

دستور همه: نهاد / قیامت: متمم / کرم و رحمت او: متمم / سخن: مفعول / ترکیب اضافی: کرم او، رحمت او / یکی: نهاد / گفته نیاید: فعل مجهول / نیاید: به معنی «نشود» / هزار (صفت جانشین اسم): متمم

﴿ نعمت بارخدا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز کند شکرگزار ﴾

معنی ای خدای آفریننده، نعمت تو قابل شمارش نیست. هیچ انسان شکرگزاری نمی‌تواند شکر نعمت‌دادن‌های تو را به جای بیاورد.

مفهوم ناتوانی انسان از شکرگزاری نسبت به خداوند

آرایه مراعات نظیر: نعمت، شکر، انعام و شکرگزار / کنایه: ز عدد بیرون بودن کنایه از فراوانی بسیار / واج‌آرایی: «ر» و «ن»

دستور خدا: منادا، «ا»: نشانه ندا / بار (آفریننده): صفت مقلوب (که قبل از موصوف آمده) / نعمت: نهاد / ترکیب اضافی: نعمت، ت: مضاف‌الیه / عدد: متمم / بیرون: مسند / شکرگزار: نهاد / هرگز: قید / شکر انعام تو: مفعول / ترکیب اضافی: شکر انعام، انعام تو، شکرگزار: شکر + گزار (مرتب)

﴿ سعدی، راست‌روان گوی سعادت بُردند راستی‌کن که به منزل نرسد، کج‌رفتار ﴾

معنی ای سعدی! انسان‌های درستکار، حتماً به خوشبختی می‌رسند، بنابراین تو هم درستکاری و صداقت را در پیش بگیر؛ شخص بدکار و گمراه هرگز به هدف نمی‌رسد.

مفهوم توصیه به درستکاری

آرایه تشبیه: گوی سعادت (اضافه تشبیهی) / کنایه: راست‌روان کنایه از درستکاران، گوی‌بردن کنایه از رسیدن به مقصود، به منزل نرسیدن کنایه از دست‌نیافتن به هدف، کج‌رفتار کنایه از بدکار و گمراه / تضاد: راست و کج، راست‌رو و کج‌رفتار / واج‌آرایی: «ا»، «س» و «ر» / تمثیل: «کج‌رفتار به منزل نرسد» / تخلص شاعر: سعدی

دستور سعدی: منادا، «ا»: نشانه ندا / راست‌روان: نهاد / گوی سعادت: مفعول / «تو» در جمله «راستی‌کن»: نهاد محذوف / راستی: مفعول / کج‌رفتار (صفت جانشین اسم): نهاد / منزل: متمم / ترکیب اضافی: گوی سعادت، کج‌رفتار: کج + رفت + ار (وندی - مرتب)

حکایت: سفر

نگاه کلی



شکل اثر: منثور (نثر) نوع نثر: ساده، کهن
نویسنده: محمد بن منور منبع: اسرارالتوحید
موضوع: توصیه به خودشناسی و تلاش برای برطرف کردن عیب‌های خود در
قالب حکایتی عرفانی

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت:
«می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟»

معنی یک روز مرشد و راهنمای ما، در جمع تعدادی از یارانش به در یک آسیاب رسید. سپس اسبش را نگه داشت و مدتی توقف کرد و در کار آسیاب تأمل کرد. بعد به یارانش گفت: هیچ می‌دانید که این آسیاب، با چرخیدنش چه سخنی را به ما می‌گوید و چه چیزی را به ما می‌آموزد؟
مفهوم پندآموزی از پدیده‌های جهان هستی

آرایه کنایه: افسار کشیدن کنایه از توقف کردن / تشخیص: سخن گفتن آسیاب

دستور روزی / قید / جمعی، همراهان، در: متمم / افسار اسب: مفعول / ساعتی: قید / پس: قید / همراهان: متمم / عبارت «این آسیاب چه می‌گوید»: مفعول برای فعل «می‌دانید» / این آسیاب: نهاد / چه (چه چیزی): مفعول

می‌گوید: «معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!»

معنی آسیاب به ما می‌گوید که شناخت حقیقت دقیقاً همین است که من به آن مشغول هستم. به این صورت که، من همواره به دور خودم می‌چرخم و در وجود خودم تفکر می‌کنم و دست به جست‌وجو می‌زنم، برای این که هر چیزی را که غیر ضروری و نادرست و بیهوده است از خودم دور کنم.

مفهوم توصیه به خودشناسی و پالایش درون از بدی‌ها / تناسب معنایی: «به چشم بصیرت به خود در نگر / تو را تا در آینه زنگار نیست»

آرایه کنایه: در خود سفر کردن کنایه از جست‌وجوی درونی برای خودشناسی، دور گرداندن کنایه از کنار گذاشتن

دستور «معرفت این است که ...» مفعول برای فعل «می‌گوید» / معرفت: نهاد / این: مسند / من: نهاد / آن: متمم / م (هستم) (قرار دارم): فعل غیراسنادی / گرد خویش: به تعبیری حرف اضافه و متمم و به تعبیری ترکیب اضافی / پیوسته: قید / خود: متمم / هر چه: نهاد / نباید: فعل از مصدر بایستن / دور: مسند

دانش ادبی

قالب شعری

قالب شعری درس: قصیده

تخلص شعری: دارد؛ «سعدیا» در بیت پایانی

واژه‌های قافیه: نهار، بهار، اقرار، دیوار، اسرار، بردار، بیدار، خار، انار، نهار، هزار، شکر گزار، کج رفتار

برای یادآوری و آشنایی بیشتر، قالب قصیده را مختصر و مفید، معرفی می‌کنیم:

قصیده

آرایش قافیه: مصرع اول با همهٔ مصرع‌های زوج هم‌قافیه است.

موضوع: معمولاً مدح، ستایش، توصیف طبیعت

تعداد ابیات: بیشتر از ۱۵ بیت

× _____ × _____
× _____
× _____



آرایه‌های ادبی

در این درس، نمونه‌های متنوعی از آرایه‌های ادبی به کار رفته است؛ آرایه‌هایی از قبیل «مراعات نظیر، تضاد، واج‌آرایی، کنایه، تشبیه و تشخیص»، اما سه آرایه «مراعات نظیر، تشبیه و تشخیص» به طور جداگانه، مورد توجه کتاب درسی در بخش دانش ادبی هستند.

مراعات نظیر (تناسب)

تعریف رابطه میان دو یا چند واژه که متعلق به یک گروه باشند، در شعر و نثر، «مراعات نظیر» (تناسب) نام دارد.

توضیح مراعات نظیر می‌تواند میان اسم‌ها، صفت‌ها و انواع دیگر کلمه به وجود بیاید.

نمونه درس:

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی فهم کنند این آسرار
نمونه خارج از کتاب:

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

تشبیه

تعریف به همانندکردن دو چیز به یکدیگر در یک یا چند ویژگی مشترک «تشبیه» گفته می‌شود.

توضیح تشبیه می‌تواند آشکار یا پنهان باشد؛ همین‌طور، ممکن است در قالب یک واژه، یک ترکیب، یک عبارت یا یک جمله بیاید.

نمونه درس: تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ (تشبیه مخاطب به بنفشه)

نمونه خارج از کتاب: عشق در سوزندگی چون آتش است. (تشبیه عشق به آتش)

ارکان تشبیه

تشبیه چهار رکن و پایه اصلی دارد که در اصطلاح به آن‌ها «ارکان تشبیه» می‌گوییم.

معرفی ارکان تشبیه را در جمله «عشق در سوزندگی چون آتش است.» بررسی می‌کنیم:

۱ مشبّه: چیزی است که آن را به چیز دیگری تشبیه می‌کنیم: عشق.

۲ مشبّه‌به: چیزی است که مشبّه را به آن تشبیه کرده‌ایم: آتش.

۳ وجه‌شبهه: ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است: سوزاندن.

۴ ادات تشبیه: واژه‌ای است که همانندی را با آن نشان می‌دهیم: چون.

اضافه تشبیهی

تعریف به تشبیهی که در قالب یک «ترکیب اضافی» بیان شده باشد، «اضافه تشبیهی» گفته می‌شود.

توضیح در اضافه تشبیهی، «مشبّه» و «مشبّه‌به» با نشانه کسره (ـِ) به هم اضافه شده‌اند و معمولاً اول «مشبّه‌به» و بعد «مشبّه» می‌آید؛ مانند طوفان خشم.

نمونه درس: سعدیا، راست‌زوان گوی سعادت بردند (تشبیه سعادت به گوی)

نمونه خارج از کتاب: آتش عشقت دل و جانم بسوخت (تشبیه عشق به آتش)

تشخیص (جان‌بخشی)

تعریف به نسبت‌دادن ویژگی انسان (مثلاً عضو، عمل یا رفتار او) به غیر انسان (مثلاً اشیا و جانوران و پدیده‌ها) تشخیص (جان‌بخشی) گفته می‌شود.

نمونه درس: حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار (نسبت‌دادن بیداری به نرگس)

نمونه خارج از کتاب: ابر می‌گرید و می‌خندد از آن گریه، چمن (نسبت‌دادن گریستن به ابر و خندیدن به چمن)

دانش زبانی

مهارت خواندن

گاهی اوقات تغییر یک صدا و یک حرکت که اصطلاحاً به آن «مصوت کوتاه» می‌گوییم، معنی واژه را تغییر می‌دهد. مثلاً واژه «إنعام» در متن درس، به معنی «نعمت‌دادن و بخشش» است. حالا اگر کسره زیر حرف «الف» را به فتحه تغییر دهیم، می‌شود «أنعام»، به معنی چارپایان (گاو و گوسفند و...) و معنی به کلی تغییر می‌کند؛ بنابراین به دست آوردن «مهارت خواندن» در تلفظ درست واژه‌ها و در نتیجه درک معنی شعر و نثر بسیار مهم است.

با مطالعه بخش «مهارت خواندن» در همه درس‌های این کتاب، نکات فوق‌العاده مهم و مفیدی درباره شیوه درست‌خواندن شعر و نثر یاد می‌گیرید. به علاوه کاربرد هر دوی این واژه‌ها در شعر و نثر، نکات دیگری را هم تولید می‌کند؛ مثلاً با هم آمدن إنعام و أنعام از نظر زبانی، نمونه «واژه‌های مشابه» و از نظر ادبی، یک نوع «آرایه جناس» است.

واژه‌های هم‌آوا و مشابه

خار: تیغ / خوار: پست	إنعام: نعمت‌دادن، بخشیدن / أنعام: چارپایان
آخر: پایان / آخر: دیگر	بود: فعل زمان گذشته از «بودن» / بود: می‌باشد، فعل مضارع

واژه‌های چندمعنایی

که: ۱) کسی که، ۲) حرف ربط، ۳) چه کسی، ۴) زیرا	همه: ۱) همگی، ۲) سرتاسر، ۳) هر
دانستن: ۱) بلد بودن، ۲) توانستن	رفتار: ۱) رفتن، ۲) برخورد و می‌ش
پیر: ۱) سالخورده و کهنسال، ۲) مُرشد و راهنما	

روابط واژگان

در سال‌های گذشته با نمونه‌های روابط واژگان، از قبیل «مترادف، متضاد، هم‌خانواده و متناسب بودن» آشنا شدید. در این درس نمونه‌هایی از این روابط دیده می‌شود:

مترادف: تسبیح و ستایش	متضاد: لیل و نهار	هم‌خانواده: إنعام و نعمت	متناسب: کوه و دریا و درختان
-----------------------	-------------------	--------------------------	-----------------------------

و بیشتر از همه، درس روی به خاطر سپردن واژه‌های «مترادف» تأکید دارد و مترادف برخی واژه‌های مهم را به طور مستقیم مورد سؤال قرار داده است:

شگفت، آگاهی، ستایش خداوند، شنونده، نادانی، انگور، رام، روز، مقصد، خوشبختی

تاریخ ادبیات



سعدی شیرازی

مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰ - ۶۰۶ ه. ق.) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد.

آثار: گلستان، بوستان، کلیات شامل «قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی»

اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید

کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمد بن منور (یکی از نوادگان او) آن را نوشته است.

پرسش‌های درس اول

معنی واژگان مشخص شده را با توجه به مفهوم بیت‌ها و عبارت‌ها بنویسید.

- ۳۰ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۳۱ شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
- ۳۲ عقل حیران شود از خوشه زَرین عنب
- ۳۳ دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار
- ۳۴ پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
- ۳۵ کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند
- ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
- نه همه مستمعی، فهم کنند این اسرار

(نمونه دولتی - آذربایجان غربی)

(نمونه دولتی - قزوین)

مناسب‌ترین معنی را از داخل کمانک، برای واژه مشخص شده انتخاب کنید.

- ۳۶ فهم عاجز شود از حَقّه یاقوت انار (جعبه - پوسته)
- ۳۷ معرفت این است که من در آنم. (بزرگواری - شناخت)

(نمونه دولتی - هائندران)

معادل معنایی توضیح زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- ۳۸ «قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است.» (تقدیر - توفیق)

معادل معنایی هر واژه را از بیت مقابل آن انتخاب کنید و داخل کمانک بنویسید.

- ۳۹ ارجمند (.....): پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
- ۴۰ جهان آفرینش (.....): این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود
- ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
- هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

در هر عبارت واژه‌ای را که املای نادرست دارد، مشخص کنید و آن را با املای درست بنویسید.

- ۴۱ پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
- ۴۲ خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند
- ۴۳ که تواند که دهد میوه آُلوان از چوب؟
- ۴۴ کرده خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!
- ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
- آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار؟
- یا که داند که برآرد گل صبرگ از خوار؟

آرایه مناسب هر بیت را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

- ۴۵ سعدیا راستروان گوی سعادت بردند
- ۴۶ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۴۷ خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند:
- راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار (واج‌آرایی - تشخیص)
- دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار (تضاد - کنایه)
- آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟ (تشبیه - اغراق)

برای هر کدام از ابیات زیر یک آرایه ادبی بنویسید.

- ۴۸ سعدیا راستروان گوی سعادت بردند
- ۴۹ تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟
- ۵۰ پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
- ۵۱ عقل حیران شود از خوشه زَرین عنب
- راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار
- حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
- ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
- فهم عاجز شود از حَقّه یاقوت انار

در نمونه‌های زیر آرایه ادبی «تشخیص» را بیابید.

- ۵۲ خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟ (نمونه دولتی - سیستان و بلوچستان)
- ۵۳ می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم.



درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص نمایید.

- ۵۴ «اسرارالتوحید» کتابی است که شیخ ابوسعید ابوالخیر آن را درباره محمد بن منور نوشته است.

نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۵۵ عقل حیران شود از خوشه زَربین عنب
- ۵۶ بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
- خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
- ۵۷ این همه نقشی عجب، بر در و دیوار وجود
- هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار
- ۵۸ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
- همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- «عقل حیران شود از خوشه زَربین عنب
- فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار»
- ۵۹ یک ترکیب وصفی و اضافی در بیت مشخص کنید.
- ۶۰ در بیت، کدام واژه‌ها در نقش متمم به کار رفته‌اند؟
- ۶۱ این بیت شامل چند جمله است؟

معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

- ۶۲ عقل حیران شود از خوشه زَربین عنب
- ۶۳ که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
- ۶۴ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار
- (هماهنگ - استان‌های اصفهان، تهران، بوشهر، گیلان)
- ۶۵ نعمت بارخدا یا، ز عدد بیرون است
- شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
- ۶۶ پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
- ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
- ۶۷ معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!

با توجه به بیت زیر به پرسش‌های آورده شده پاسخ دهید.

- «سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند
- راستی کن که به منزل نرسد، کج‌رفتار»
- ۶۸ شاعر، انسان را به کدام خصلت نیک دعوت کرده است؟
- ۶۹ چه کسانی به مقصود واقعی خود نمی‌رسند؟

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۷۰ در بیت زیر «بنفشه» و «نرگس» به ترتیب نماد چه کسانی هستند؟
- «تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟
- حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار»
- ۷۱ منظور شاعر از بیت «تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار» چیست؟

۷۲ موضوع بخشی از سورة مبارکه اسراء این است که «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر موجودی که در آن‌هاست، خداوند را می‌ستایند.»

این مفهوم با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- (۱) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار
(۲) کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمع، فهم کنند این اسرار

هر یک از عبارات ردیف «الف» با کدام یک از مفاهیم ردیف «ب» متناسب است؟ آن‌ها را به هم ربط دهید.
(یک مورد اضافی است.)

۷۳

الف	ب
(الف) نعمت بارخدايا ز عدد بیرون است	(۱) خودشناسی
(ب) آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار	(۲) بی‌شماربودن
(پ) پیوسته در خود سفر می‌کنم	(۳) سفرکردن مداوم
	(۴) آگاهی و بیداری

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۷۴ معنی چند واژه در برابر آن نادرست نوشته شده است؟

تقدیر: سرنوشت / تسبیح: ستایش خداوند / انعام: چارپایان / حیران: سرگشته / خار: پست / عنب: انگور / کج رفتار: بدکار / مستمع: شنونده / مسخر: تمسخرآمیز

(۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴) ۵

۷۵ در کدام گزینه گروه کلمه‌ای با املاي نادرست دیده می‌شود؟

- (۱) صحرا، اسرار، مسخر، معرفت
(۲) حیران، رحمت، تسبیح، حیف
(۳) غفلت، تنبیه، حقه، مستمع
(۴) نهار، زرین، انعام، عنب

۷۶ نقش واژه مشخص شده در برابر کدام گزینه نادرست آمده است؟

- (۱) سعدیا، راست‌زوان گوی سعادَت بُردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار: نهاد
(۲) نعمت بارخدايا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار: مفعول
(۳) تا قیامت سخن آن‌در کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نباید ز هزار: قید
(۴) که تواند که دهد میوه آُلوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صبرگ از خار؟: نهاد

۷۷ درباره نکات دستوری بیت «تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) واژه «بنفشه» نقش متممی دارد.
(۲) در مصراع اول، حذف فعل اتفاق افتاده است.
(۳) «نرگس بیدار»، یک ترکیب وصفی است.
(۴) نخستین جمله در مصراع دوم، جمله‌ای اسنادی است.

۷۸ در مصراع «کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند» همه آرایه‌های نام‌برده به کار رفته‌اند، به جز

- (۱) مراعات نظیر (۲) تلمیح (۳) تشخیص (۴) جناس

۷۹ کدام گزینه به نام آرایه مشترک میان سه بیت زیر اشاره می‌کند؟

- «خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار؟
عقل حیران شود از خوشه زرین عنب فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار
سعدیا راست‌روان گوی سعادَت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار»
(۱) تشبیه (۲) تشخیص (۳) تلمیح (۴) تضاد

۸۰ بیت زیر آراسته به کدام آرایه‌های ادبی است؟

«تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار»

- (۱) تشخیص - تضاد - تشبیه
(۲) اغراق - تشبیه - تضاد
(۳) تضاد - کنایه - اغراق
(۴) تشبیه - تلمیح - تشخیص

۸۱ متن زیر معرف کدام شخصیت ادبی است؟

«وی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی وی را در کتابی به نام «کلیات» جمع کرده‌اند.»

- (۱) سنایی
(۲) سعدی
(۳) جامی
(۴) مولوی

۸۲ کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

«تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار»

- (۱) شو تا قیامت آید زاری کن کی رفته را به زاری، بازآری؟
(۲) چندان که برشمرد ز فضلش خرد نشمرد هیچ زان همه لطف و سخا
(۳) هزار درد نهان دارمی که یک ز هزار به‌جز هزار به کس آشکار نتوان کرد
(۴) گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها

۸۳ کدام گزینه معرف عنوان دقیق‌تری برای مفهوم اصلی بیت زیر است؟

«نعمتت بارخدایا، ز عدد بیرون است شکرِ انعام تو هرگز نکند شکرگزار»

- (۱) ستایش خداوند
(۲) ناسپاسی بندگان
(۳) بی‌شماربودن نعمت‌ها
(۴) ناتوانی از شکرگزاری نسبت به خداوند

۸۴ مفهوم حرف «که» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- (۱) سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج‌رفتار
(۲) نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه
(۳) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
(۴) غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی که باری است فرصت، دگر بار نیست

۸۵ کدام گزینه قضاوت درستی درباره اطلاعات ادبی حکایت زیر دارد؟

«روزی پیر ما با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت: می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هر چه نباید، از خود دور گردانم.»

- (۱) «پیوسته» در پایان حکایت، صفت آسیاب است.
(۲) تعبیر «به در آسیابی رسیدن» کنایه از «بهرهمندی از دنیا است».
(۳) واژه «پیر» در حکایت، به معنی «مرشد و راهنما» به کار رفته است.
(۴) نقش دستوری «آن» صفت اشاره است.

پاسخنامه درس هفدهم

۵۹۹. عزیمت: سفر کردن، رفتن، کوچیدن

۶۰۰. وداع: خداحافظی

۶۰۲. فراغت: آسودگی

۶۰۴. نگریست: نگاه کرد

۶۰۶. علاقمند - علاقه‌مند

۶۰۷. حزم - هضم

۶۰۸. وغار - وقار

۶۰۹. آزرخش - آذرخش

۶۱۰. کنایه: مسئله مرگ و زندگی کنایه از موضوع بسیار مهم و حیاتی

۶۱۱. تشبیه: زندگی من به خورشید / کنایه: اهلی کردن کنایه از رام و

مطیع کردن (در درس کنایه از علاقه‌مند کردن)

۶۱۲. کنایه: از دست دادن کنایه از سلب مالکیت

۶۱۳. تشبیه: تصویر گل سرخ به شعله چراغ

۶۱۴. گزینۀ ۴ در این درس، روباه به عنوان نماد «دوست و همراه»

به کار رفته است.

۶۱۵. الف - ۴) عنصرالمعالی کیکاووس

ب - ۳) محمد بن منور

پ - ۲) آنتوان دو سنت اگزوپری

ت - ۵) سعدی

ث - ۱) محمد غزالی

۶۱۶. نادرست

۶۱۸. گزینۀ ۱ رابرت فیشر

۶۱۹. ماضی نقلی: نشان داده‌ام / مضارع اخباری: نشان می‌دهم

۶۲۰. ماضی استمراری: می‌گذشت / ماضی بعید: گوش کرده بودم

۶۲۱. من هرگز این داستان را برای کسی تعریف نکرده‌ام.

۶۲۲. همه ستارگان آهسته به من لبخند می‌زدند.

۶۲۳. هر دو به هم نیازمند می‌شویم.

۶۲۴. مضاف‌الیه: سیاره خود / متمم: ستارگان، خود، سیاره

۶۲۵. شکفته: مسند

۶۲۶. قدم: مفعول

۶۲۷. شعله: متمم

۶۲۸. این تصویر: نهاد

۶۲۹. آه و افسوس که من گریه خواهم کرد!

۶۳۰. انسان‌ها این حقیقت را از خاطرشان برده‌اند، ولی تو به هیچ

عنوان نباید فراموش کنی که هر چیزی را که رام و مطیع کنی،

همیشه نسبت به آن متعهد خواهی بود.

۶۳۱. اگر تو یک گل را دوست داشته باشی که در ستاره‌ای وجود داشته باشد، زیبایی‌اش به این است (دلپذیر و خوشایند است) که اگر در هنگام شب به آسمان نگاه کنی، تمام ستاره‌ها [مانند گل] شکوفا و نورانی خواهند بود.

۶۳۲. فوراً فکری مانند نور، ذهنم را روشن و آگاه کرد؛ مثل صاعقه‌ای که در میان شب تیره نور بدهد.

۶۳۳. الف) فردی خسیس و طمعکار که بدون هدف خاصی صرفاً به دنبال جمع‌آوری ثروت است و هیچ سودی از ثروت خود نمی‌برد.

ب) مالک چیزی بودن به این معنی است که هم تو برای آن چیزی که داری، فایده‌ای داشته باشی و هم آن سرمایه برای تو فایده داشته باشد. وقتی مالک چیزی هستیم، باید تعهد داشته باشیم و نسبت به آن مسئول باشیم.

۶۳۴. گزینۀ ۴ روی هم، معنی دو واژه نادرست نوشته شده است.

معنی درست واژه‌ها: فاش: آشکار / حوالی: دور و بر، اطراف

۶۳۵. گزینۀ ۲

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینۀ ۱ انتظار - انتظار

گزینۀ ۳ بیهوده‌گی - بیهودگی

گزینۀ ۴ مار بوعا - مار بوآ

۶۳۶. گزینۀ ۴ این عبارت آرایه «تلمیح» ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینۀ ۱ تشبیه: نور اندیشه (اضافه تشبیهی) - [نوری] همچون آذرخش

گزینۀ ۲ تناسب: نور، روشن، آذرخش

گزینۀ ۳ کنایه: ذهنم را روشن کرد کنایه از این که متوجه موضوع شدم.

۶۳۷. گزینۀ ۱ نقش دستوری «آب آشامیدنی» در این جمله

«مفعول» است.

۶۳۸. گزینۀ ۴ اندوهناک: قید

پاسخنامه نیایش

۶۳۹. ذلت: خواری، ذلیل بودن

۶۴۰. صورت‌نبستن: قابل تصور نبودن، به نظر نیامدن

۶۴۱. وحدت: یکپارچگی

۶۴۲. توفیق: تأیید الهی

۶۴۳. آستان: درگاه

۶۴۴. چشم داریم: انتظار داریم

۶۴۵. ربا: دورویی

۶۴۶. عقبا - عقبی

۶۴۷. عتا - عطا

۶۴۸. حوس - هوس

۶۴۹. زلت - ذلت

۶۵۰. بی‌ثمری: حسرت

۶۵۱. تشبیه: چراغ یقین (اضافه تشبیهی) / چراغ فرا راه داشتن

کنایه از هدایت کردن

پاسخ نامه آزمون نیم سال دوم (۱)

۱. **گزینه ۱** محضر: جای حضور، درگاه / رمق: نیرو، توان / فراست: هوشمندی، زیرکی باطنی / تعرض: حالتی از اعتراض به خود گرفتن
۲. **الف** بیدار شد **ب** وارد شد
۳. **ب** شیفته: مفتون
۴. **الف** وقتی آینه، عیب‌هایت را به درستی به تو نشان داد، تواضع و فروتنی پیشه کن و خودت را بشکن (اصلاح کن) [نه آینه را]، زیرا شکستن آینه [که صادقانه اشکالات تو را بیان می‌کند] اشتباه است.
- ب** اگر [جوانی‌ات را] بفروشی و از دست بدهی، [دیگر] نمی‌توانی آن را از کسی بخری و به دست بیاوری، زیرا جوانی کالایی نیست که در بازار [برای خرید و فروش] وجود داشته باشد.
- پ** این دختر (رابعه)، بانوی بزرگواری است که هفتاد هزار نفر از پیروان من با میانجیگری او مورد بخشش الهی قرار خواهند گرفت.
- ت** اگر اختیار من به دست خودم می‌بود، یک لحظه هم از خدمت تو آسوده نمی‌شدم.
- ث** نمی‌بینی وقتی کسی به دردی دچار می‌شود، فروتنی می‌کند و برای نیایش به درگاه خدا روی می‌آورد؟
۵. **گزینه ۲** مفهوم مشترک حدیث شریف و بیت گزینه (۲): توصیه به تلاش برای علم‌اندوزی در همه عمر
- مفهوم گزینه (۱): دانش، روشنگر دل و مایه انسانیت است.
- دقت کن که هر دو بیت در مفهوم کلی خود، به ارزشمندی دانش اشاره دارند، اما گزینه (۲) به توصیه به تلاش برای دانش‌اندوزی در طول عمر اشاره می‌کند و از این نظر با عبارت سؤال تناسب بیشتری دارد.
۶. **گزینه ۱** پیام عبارت این است که رابعه در روز قیامت به مقام و مرتبه‌ای دست پیدا می‌کند که حتی فرشتگان الهی نیز به او افتخار خواهند کرد.

۷. دوست نخست: رابعه / دوست دوم: خدا

۸. **گزینه ۱** مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۱): دوری از بیهوده سخن گفتن / ضرورت سنجیده‌گویی
- مفهوم گزینه (۲): نکوهش سخن کسی را قطع کردن
۹. **گزینه ۲** مخاطب مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): امام رضا (ع)
- مخاطب بیت (۱): پیامبر اکرم (ص)

۶۵۲. کنایه: دست‌برآوردن کنایه از دعا و مناجات کردن / جناس: دل و گل / مراعات نظیر: دست و دل

۶۵۳. کنایه: چشم‌داشتن کنایه از انتظارداشتن
۶۵۴. از در راندن: کنایه از دور کردن - دری دیگر صورت‌نبستن: کنایه از قابل تصور نبودن پناه و نجات
۶۵۵. سوگوار: مسند
۶۵۶. دیگر: صفت
۶۵۷. دستی: مفعول
۶۵۸. م: مفعول
۶۵۹. پرورده‌ایم، کرده‌ایم: ماضی نقلی
۶۶۰. خدایا با خواری مرا از خودت دور نکن، زیرا [اگر مرا از خود برانی] درگاه دیگری برای من وجود ندارد [که به آن پناه ببرم].
۶۶۱. حالا که تو ما را در دنیا عزیز و گرمی داشتی، در جهان آخرت نیز همین [لطف] را [از تو] انتظار داریم.
۶۶۲. خدایا، یقین را مانند چراغی بر سر راه من قرار بده [و] من را از انجام کارهای بد دور کن.

۶۶۳. [خدایا] با مهربانی مرا به سمت خود دعوت کن و مرا از درگاه خود دور نکن، [زیرا] به جز درگاه تو هیچ پناهگاه دیگری [برای عرض بندگی] ندارم.
۶۶۴. خدایا، زندگی‌ای را به من بده که به هنگام مردن، به خاطر بی‌حاصل بودن لحظه‌هایی که در زندگی سپری شده است، پشیمانی نداشته باشم و مرگی را به من بده که برای بیهوده‌بودنش، غمگین نباشم.
۶۶۵. **الف** درست **ب** نادرست؛ سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد.
- پ** درست

۶۶۶. فردا: قیامت، پس از مرگ ۶۶۷. افراد غافل و بی‌توجه
۶۶۸. **گزینه ۳** روی هم، معنی ۲ واژه نادرست نوشته شده است.
- معنی درست واژه‌ها: عزیز: گرمی، ارجمند / عقبی: جهان آخرت
۶۶۹. **گزینه ۴** املای درست واژه: عذت ← عزت
۶۷۰. **گزینه ۲** در این بیت آرایه تشبیه وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱** جناس: در و سر
- گزینه ۳** مراعات نظیر: در و آستان
- گزینه ۴** کنایه: از در راندن کنایه از دور و طرد کردن - سر بر آستان داشتن کنایه از تسلیم‌شدن و اظهار بندگی
۶۷۱. **گزینه ۴** مفهوم گزینه (۴): طلب هدایتگری از خدا
- مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: طلب لطف و عنایت

۱۰. خداوند به باطن و درون انسان‌ها توجه می‌کند، نه به ظاهر و صورت زیبا.

۱۱. **گزینه ۲** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): پنددادن زمانه به انسان‌ها / مفهوم گزینه (۱): غنیمت‌شمردن فرصت‌ها

۱۲. ماضی نقلی: نشان داده‌ام / مضارع اخباری: نشان می‌دهم

۱۳. ۵ جمله / برخواست و به در خانه آن همسایه رفت و بازآمد و گفت: خفته‌اند.

۱۴. **گزینه ۲** هر دو بن مضارع دارند.

۱۵. الف قید: دوباره ب قید: دیشب

۱۶. مشبه: وجود

۱۷. الف مراعات نظیر: رزق، انعام و لطف ب تضاد: دنیا و عقبی

۱۸. قافیه: جانانه و کاشانه / ردیف: بسوخت

۱۹. **گزینه ۱**

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۲ اشاره به آرش کمانگیر

گزینه ۳ اشاره به سیاوش (یکی از شخصیت‌های شاهنامه)

گزینه ۴ اشاره به زال، پدر رستم

۲۰. بهارستان: جامی / شازده کوچولو: آنتوان دوست اگزوپری

پاسخ‌نامه آزمون نیم‌سال دوم (۲)

۱. الف دیبا: پارچه ابریشمی رنگین ب گنم: محل زندگی جانوران وحشی

ب عزیمت: سفرکردن، رفتن، کوچیدن ت طنین: صدا، آواز

۲. الف جهان آفرینش، سرتاسر مایه آگاهی انسان صاحب‌دل

است. کسی که به وجود خداوند اعتراف نمی‌کند، اصلاً دل و درک و احساس ندارد.

ب یوسف گم‌شده دوباره به کنعان برمی‌گردد، ناراحت نباش، خانه غم‌ها روزی به شادی تبدیل می‌شود، اندوهگین نباش.

ب نام تو به منزله اجازه‌ای برای روییدن و تازگی است؛ به همین خاطر برگ و باران تو را می‌شناسند.

ت اگر انسان [هیچ وقت] دچار دردی نمی‌شد، با هیچ چیزی در برابر خدا فروتنی و زاری و التماس نمی‌کرد.

ت ابلیس جرئت ندارد اطراف او بگردد (به او نزدیک شود).

۳. الف به او متوسل شو و رهایش نکن.

ب تولد حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریه - عید عاشقان و ارادتمندان حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریه

ب ذکر و دعا و خواندن قرآن

ت منظور این است که اگر پول بر انسان حاکم شود، بد است اما اگر در خدمت انسان برای رسیدن به خواسته‌هایش باشد، خوب است.

ت **گزینه ۲** مردم‌شدن کنایه از جایگاه و ارزش انسانی یافتن خداوند

۴. الف مضارع مستمر: دارم می‌آیم / ماضی بعید: آمده بودم

ب ۱- بلافاصله / ۲- آذرخش، دل / ۳- اندیشه، ضمیر «م» در «ذهنم»، شب ب درست

۵. الف کنایه: کوردلی کنایه از نادانی / تشبیه: خورشید ایمان (اضافه تشبیهی) / تلمیح: داستان، اشاره به زال پدر رستم

ب تضاد (پیدا و پنهان)

ب **گزینه ۳** نوع ردیف در این گزینه «حرف» است. در سایر گزینه‌ها نوع ردیف «فعل» است.

ت درست ت تخلص

۶. الف گلستان: سعدی / کیمیای سعادت: محمد غزالی / شازده کوچولو: سنت اگزوپری ب درست